



بگوویچ:

تلاش بازیکنان کافی نبود

پراکنده نگاری های کسی که «کلینت ایستوود» را دوست دارد

نشسته بود بغل دستم . . . با حمله هر ۲ تیم بالا و پایین می شد. بعضی بازیکن ها را با اسم کوچک صدا می کرد و زیر لب فرمان می داد به آنها . «درست پاس بده پسر . . . چرا این طوری؟» دور کن. . . دور کن. . . باز کن. . . بازی را ببر به لب خط. . . چرا ایقدر ضعیف؟ محکمتر می زدی پسر» فهمیدم که دوباره نوبت رسیده به یکی

از آن سلسله سخنرانی های همیشهگی - دوباره هدفون را گذاشتم در گوشم و فوکوس کردم روی زمین فوتبال . جایی که مدافع راه آهن با یک تکل توپ را از زیرپای محمد غلامی درآورد. پسر عجب صحنه ای بود .

نشسته بود ۲ تا صندلی آتورتر . می دانستم اگر موقعیتی بدهم مخم را می خورد. پرحرف بود و البته محترم . کسی اهل این نبود که بگوید« بس کن» کوتاه یا ، اجازه بده بازی را ببینم . ما باید گزارش بازی را بنویسیم اما تونه .

اینجا سرزمین تعارف های شرقی است و احترام بزرگتر واجب . اینجا البته یک ضرب المثل قدیمی دیگر هم داریم با این مضمون که حرمت امامزاده را منولی نگه می دارد . راهی برای تبادل اطلاعات نگذاشتم . هدفون های رادیو را گذاشتم داخل گوشم تا به گزارش رادیویی بیداری گوش بدهم که مقابل چشمانم داشت اجرا می شد . می دانستم که رفیق ۲ صندلی آتورتر ، می رود روی منگ سخ دیگری اما برایم مهم نبود . آمده بودم گزارش بازی را بنویسم و به مخم نیاز داشتم .

فهرست اسامی مقابل چشمانم بود. تمیز و تاپ شده و مرتب . یاد روزهای افتادم که فهرست ها را روی کاغذهای کاهی تاپی می کردند و چشمانت کور می شد اگر می خواست اسامی را در یک ماشین در حال حرکت برای خبرنگاری بخوانند که از دفتر روزنامه رنگ زده بود! خاطرات روزهای قدیم رزه رفت پیش روی چشمانم . یاد اولین باری افتادم که به ورزشگاه اکباتان آمده بودم . بازی راه آهن اکبر میثاقیان و برق تهران مهدی دینورزاده که اتفاقاً در جام حذفی هم بود . مثل حالا . تصاویر قدیمی در ذهنم جان گرفت . صدای تشویق تماشاگران مرا به خودم آورد . پاس حمله کرده بود و دروازه بان راه آهن توپ را فرستاده بود کرنر! صحنه آهسته از «اسکور بورد» پخش شد و من یاد اولین باری استخدام شد «اسکوربوردر» ورزشگاه آزادی افتاح شده بود و بین ما خبرنگارها دعوا که چه کسی اولین نفری باشد که بازی اول در جایگاه بنشیند و «اسکوربوردر» را ببیند! «تحفه» انگار قرار بود ببینم!

۲۰ دقیقه ای گذشته بود که افشین قطبی بی سروصدا وارد ورزشگاه شد و در حالی که به احترام و نوعی –منانت ذاتی- با کسانی که پیش پایش بلند می شدند،

ویکتو بگوویچ سرمرمی تیم فوتبال پاس تاکید کرد که اولویت انتخاب وی برای فصل آینده با تیم همدانی است. وی درباره حذف تیمش از رقابت های جام حذفی پس از باخت به راه آهن گفت: ابتدا باید از بازیکنانم تشکر کنم اما به هر حال تلاش های آنها کافی نبود. پس از دیدار مقابل پرسپولیس بازیکنان ما خسته بودند و در نیمه نخست مقابل راه آهن شرایط مساعدی نداشتیم اما در نیمه دوم بهتر کار کردیم. به هر حال در بازی های جام حذفی این یک قانون کلی است که تیم ناکام در گلزنی گل دریافت می کند.



عادت همیشهگی به سمت جایگاه ویژه می رود انگار که هنوز مترجم بلازا یا برانکوست . راهش نمی دهند. حیرت را بدو از دوستانش می نشیند. دلم می سوزد برایش ، نمی دانم چرا اما حس می کنم کاش قدرتی داشتم که می نشاناندمش در جایگاه ویژه و سفارش می کردم که وقتی از میهمانان پذیرایی می شود به او ۲ تا نان خامه ای بدهند. هرچه باشد او هم



روزگاری لباس تیم ملی تنش بود.

چلنگر . . . یاد خاطرات قدیم میفتم . یاد روزی که برای اولین بار در زندگی ام برای تهیه گزارش به فرودگاه مهرآباد رفتم . روزها تصحیح می کنم . شب ، نیمه شب ، برای منی که همیشه



انگار یا رفیقشان گل زده یا یک چیزی تو همین مایه ها!

چشمانم همزمان صد جا را رصد می کند . هم واکنش مربیان ۲ تیم را ، هم شادی گل « پشتک وارو» وار گلزن بازی و هم واکنش افشین قطبی . سؤال اول همه کسانی که در جایگاه خبرنگاران نشسته اند این است که آیا مهاجم گلزن به تیم ملی دعوت می شود؟ چهره قطبی هیچ جوابی به ما نمی دهد . چند متر آنطرف تر ، کاظم اولیایی و هیات همراه

نشسته . زوم کن روی صورتش و بفهم که آیا بعد از باخت بگوویچ را کنار می گذارد؟ از چهره او هم چیزی در نمی آید . به انصاری فرد نگاه می کنی . شاد است اما نام هیچ سرمرمی ایرانی یا خارجی در صورتش دیده نمی شود . امروز روز حدس و گمانا نیست . از چهره کسی نمی شود خبری در آورد . امروز همه «صورت سنگی» شده اند انگار!

صورت سنگی! چه اصطلاح قشنگی . انگار خارجی اش می شود «Stone Face» . یاد «کلینت ایستوود» می افتم در فیلم معرکه آخرش «گران تورتو» که هر که ندیده از دستش رفته .

ایستوود آنجا هم نقش صورت سنگی همیشهگی اش را بازی کرده . نقش مردی که می تواند یک نفره کل دنیا را به هم بریزد و به هیچکس و هیچ چیز نیاز ندارد و باکس نیست اگر در محله ای پر از غریبه های خطرناک با همه الواتی که عشق قدرتند در بیفتند و حسابی برای خودش دشمن پیش روی تو کیف کنی که چقدر کارش درست است این پیر مرد .

نیمه تمام شده . رادیو همزمان هم بازی های جام حذفی را پخش می کند و هم بازی های لیگ یک را . رفیقم را آنطرف تر می بینم . مربی امیدهای راه آهن. سال قبل مربی امیدهای پاس بود . صدایش می کنم . خوشحالی را در چهره اش می بینم . تا این لحظه هیچ کدام از رفیق هایم از دیدنم این همه خوشحال نشده بود . می آید پیشم و می نشیند . «دقایقی حرف می زنم . ناراحت است . ناراحت قوانین هر سه ساله فدراسیون . می گوید با هر بخشنامه ای که از سوی فدراسیون صادر می شود و رده های سنی را تغییر می دهد، جوان های

شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۸
۲۱ جمادی الاول ۱۴۳۰- ۱۶ می ۲۰۰۹ - شماره ۴۳۸۱

هومن جعفری

زیادی از تیم خارج می شوند و هیچ تیمی هم پیدا نمی کنند و ناچارند بروند داخل خیابان یا بپنقته به دام دلال ها! می دانم که شاگردهایش را مثل بچه هایش دوست دارد . یک فکر کنیف هم ژورنالیستی به جانم می افتد . اینکه پیش خودم نگاهش دارم و بینم وقتی شاگردانش در ۲ تیم روبروی هم بازی می کنند ، چه حسی به او دست می دهد . با اصرار نگاهش می دارم پیش خودم . در دل از خودم بدم می آید که این عادت لعنتی ژورنالیستی ام را حتی در کنار رفقا فراموش نمی کنم .

نیمه دوم شروع شده . خبری نیست . ۲ تیم موقعیت زیاد خلق می کنند اما «گل -مل» خبری نیست . حملات برای من عادی است اما برای رفیقم نه . در هر ۲ تیم شاگردانی دارد و وقتی یک تیم به دیگری حمله می کند ، در حقیقت نبرد و مصاف شاگردان خودش را به نظاره نشسته .

حملات ادامه دارند . دوستم یک لحظه فراموش می کند که این بالا روی سکوهای جایگاه خبرنگاران پیش من نشسته . می رود در فاز مربیگری . انگار که نشسته روی نیمکت و دارد بازی شاگردهای خودش را مربیگری می کند . چشم هایش حالت عجیبی دارند . تا به حال هیچ وقت چشم های یک مربی در حال مربیگری را از نزدیک ندیده بودم . یاد صحبت هایی می افتم که بگوویچ یا شلایتر (مربی آلمانی اسبق پیکان) در مورد بالا رفتن ضربان قلب مربیان برایم تعریف کرده بودند و من باورم نمی شد . اینجا داشتم به وضوح می دیدم که مربی بیچاره چه حالی دارد روی نیمکت وقتی ضربان قلبش از صدویست و صدوسی و صدوچهل می گذرد و همین طور می رود بالا!

بازی ادامه دارد. . . همه چیز در حالت عادی است . ۲ صندلی آنطرف تر عملیات «مخ خوری» همچنان ادامه دارد . یک صندلی این طرف تر هم عملیات مربیگری همزمان ۲ تیم را دارم به چشم می بینم . متلک دوستانه ای می اندازم . «حاجی بالاخره طرف کدوم تیمی؟» - (می خندد) چه بگویم؟ در هر ۲ طرف پسرانم دارند بازی می کنند . هر کدام که برزند خوشحال می شوم و هر کدام که ببازند، دلم می گیرد . تو نمی دانی این امیدها وقتی می بازند چه گریه ای می کنند!

سوت پایان کیفم را می اندازم روی کولم تا «حب جیم» را برزم . اینجا ناتیبه ای دیر خارج شوی می مانی در ترافیک . با دوستانم خداحافظی می کنم . پیرمرد ۲ صندلی آنطرف تر هنوز روی منخ بچه ها کار روانی انجام می دهد . آن طرف هم رفیق دیگرم یک مقداری دمغ است . تیمش برده اما دلش پیش بچه های سابقش هم هست . بسوزی عشق ، بسوزی . . .

سیر صعودی بسیار خوبی داشته است.

ابراهیم زاده به نحو احسن از داشته های خود استفاده کرده و ارتض و تکراری نیست . این موضوع از کیفیت بازی این تیم هم چیزی کم نمی کند . ذوب آهن چون برنامه داشته بیشتر به چشم آمده است . راه آهن تا اینجا هم کار بزرگی انجام داده است . الان مربی جوانی بالای سر این تیم است اما مشخص است نزد نفرات کم تجربگی وجود دارد . جا دارد به انصاری فرد هم تبریک بگویم که به تازرار در این شرایط بحرانی اعتماد کرده است.

انگیزه ذوب آهنی ها به اعتقاد من برای بازی فینال و پیروزی در آن بسیار زیاد است . ضمن اینکه این برد هم به سود ذوب آهن است و هم به سود سپاهان چرا که با این قهرمانی اسفهان سال آینده ۲ نماینده در لیگ قهرمانان آسیا خواهد داشت و این در نوع خود افتخاری محسوب می شود . راه آهن هم با توجه به اینکه اولین حضورش تا این مرحله را تجربه می کند و تا به اینجا پیش آمده مطمئناً دلش نمی خواهد ناکام باشد و خودش را اثبات کند .

باتوجه به شناختی که صبا و ذوب آهن از هم داشتند و باتوجه به پرمهره بودن ۲ تیم فکر می کنم شاهد یک بازی شطرنج بودیم . ۲ تیم برای لحظه لحظه بازی برنامه داشتند ، موقعیت های زیادی نصیب ۲ تیم شد که در نهایت بازی در ضربات پنهالی به سود میهمان به پایان رسید. در مورد بازی پاس و راه آهن هم باید بگویم راه آهنی ها زحمت زیادی کشیدند . مهره های خوبی داشتند و با عملکرد قابل قبول توانستند تا مرحله فینال پیش روی کنند . فکر می کنم با قرعه کشی و اینگونه مشخص شدن مکان بازی عدالت رعایت نمی شود . اگر بازی ها رفت و برگشت بود شاید عدالت اینگونه برقرار می شد .

امتیاز میزبانی شانس تیم میزبان را بیشتر می کند و اگر بازی در همدان برگزار می شد حتماً شرایط فرق می کرد و شاید این پاس بود که به فینال می رسید .

ورزشی

ذوب آهن و راه آهن استحقاق فینالیست شدن را داشتند

■ ناصر پورمهدی



در تمام بازی های جام حذفی غیر قابل پیش بینی و با هیجان دنبال می شود و تیم هایی که شاید ناشناخته باشند و یا هیچ کس فکر نکند که این تیم تا به اینجای کار بالا بیاید . مسابقات جام حذفی در ایران نیز همینگونه برگزار می شود اما به دلیل طولانی شدن مدت زمان آن و اتفاقاتی که در فوتبال ما طی سالی که گذشت رخ داد باعث افت کیفی این بازی ها شد . در مجموع این تورنمت در حد انتظار برگزار نشد . تیم هایی که تا مرحله یک چهارم بالا آمدند ، تیم های خوبی بودند . ذوب آهن که در لیگ عنوان نایب قهرمانی را کسب کرد و راه آهن با آن سابقه طولانی در لیگ ایران شاید به نوعی به حشش رسید . صبای قم و پاس همدان نیز عملکرد قابل قبولی داشته اند اما مشکل جام حذفی کنار رفتن تیم ها در صورت باخت است و این ۲ تیم هم با جام خداحافظی کردند . به عقیده من ۲ تیم ذوب آهن و راه آهن استحقاق فینالیست شدن را داشتند و خارج از این موضوع که بازی ها ، کیفیت لازم رانداشت اما این ۲ تیم به خاطر داشتن انگیزه لازم به حششان رسیدند . به شخصه اعتقاد دارم شانس برای ۲ تیم ۵۰ - ۵۰ است . بازی های حذفی غیر قابل پیش بینی است ومهمترین عامل برای پیروزی در این دیدار انگیزه و شناخت از حریفان است . انتخاب تاکتیک مناسب و ایجاد انگیزه و روحیه در نفرات کار مهمی است که برعهده مربیان ۲ تیم است . شاید انگیزه ذوب آهن باتوجه به ازدست دادن قهرمانی لیگ برای کسب این جام بیشتر باشد . به هر حال فینال خوبی را شاهد خواهیم بود و می توانیم یک جام حذفی پرهیجان را ببینم .

ذوب آهن یکی از شایسته ترین تیم ها هم در جام حذفی و هم در لیگ برتر است

■ علی لطیفی



بازی صبای قم و ذوب آهن الحق یکی از بازی های خوب فوتبال ما در فصلی که گذشت بود . ۲ تیم با آگاهی کامل از یکدیگر و با تاکتیک های مناسب و سیستم رو به جلو مقابل هم قرار گرفتند . تیم صبا در ابتدا بازی را در اختیار گرفت و موقعیت های زیادی خلق کرد که درخشش خوب دروازه بانان ذوب آهن مانع از به ثمر رسیدن گل های زیاد شد . رفته رفته این ذوب آهن بود که در حالت هجومی قرار گرفت و صاحب فرصت های بسیار شد . در مجموع بازی خوبی را از ۲ تیم شاهد بودیم البته باید یادآور شوم که صبای قم به هیچ عنوان بازیکنانش در زدن ضربات پنهالی تخصص ندارند و این مسأله را در بازی های لیگ و جام حذفی دیدیم . به هر حال کربمی از این بابت بیشترین ضرر را در این مسابقات دید و در نهایت کنار رفت . برعکس این بازی دیدار راه آهن و پاس بود که اصلاً قابل قبول نبود . تیم همدانی کاملاً مشخص بود خسته است و البته راه آهن با انگیزه های بسیار زیاد بازی را پیگیری کرد . راه آهن که در تاریخ باشگاهش اولین بار بود یا به نیمه نهایی جام حذفی گذاشته بود ونمی خواست این موقعیت را از دست بدهد . با زدن یک گل و جنگندگی بازیکنانش و البته حفظ توپ نفرات میانی توانست بازی را به سود خود به پایان برساند . در مورد بازی فینال بین ۲ تیم ذوب آهن و راه آهن باید گفت ذوب آهن شانس بیشتری نسبت به راه آهن در بالا بردن این جام دارد . هم به لحاظ مسائل تاکتیکی و هم به لحاظ حضور بازیکنان خلاق جلوتر از راه آهن قرار دارد . در واقع بازی فینال جایگاهی است که ذوب آهنی ها می توانند شایستگی هایشان را به طور کامل نشان دهند . به عقیده من ذوب آهن یکی از شایسته ترین تیم ها نه تنها در جام حذفی بلکه در لیگ برتر به شمار می رود و این کم تجربگی آنها بود که قهرمان لیگ را به استقلالی ها دادند اما بی شک ابراهیم زاده و یارانش از بازی های لیگ برتر خصوصاً بازی آرخشان درس گرفتند . سرمرمی این تیم و مدیریت باشگاه برای قهرمانی باید بازیکنان جوانشان را از استرس بازی فینال در بیآورند البته به احتمال زیاد بازیکنان ذوب آهن از اضطراب بازی رایگ راندارند و راحت تر می توانند برای قهرمانی تلاش کنند . در واقع راه آهنی ها با تکیه بر بازیکنان خلاق خصوصاً در خط هافبک که در رأس آنها داود حقی قرار دارد وجنگندگی سایر نفرات به دنبال قهرمانی هستند اما مهدی تارتار برای اینکه لیاقتش را نشان دهد و در دنیای مربیگری باقی بماند باید در بازی فینال خودش را در مقابل یک مربی باهوش و با کلاس نشان دهد . البته این مربی برای قهرمانی نیاز به نفرات دهنده و جنگنده در این بازی دارد چرا که از حیث خلاقیت ، سرعت وتکنیک بازیکنان راه آهن نسبت به بازیکنان ذوب آهن در سطح پایین تری قرار دارند . و نکته آخر اینکه ابراهیم زاده برای نشان دادن این موضوع که قهرمانی در لیگ حق تیمش بوده است در بازی فینال ذوب آهن

پیروزی است و تارتار در این راستا که با لیاقت راه آهن را به فینال رسانده است و لائق در این امر نقش داشته و به دنبال قهرمانی است . این بازی برای تارتار حکم سکوی پرتاب برای ماندن یا محوشدن در عرصه مربیگری دارد .

تست دوپیکنگ از بازیکنان پاس و راه آهن کیمته ضد دوپیکنگ از ۴ تن از بازیکنان تیم های پاس و راه آهن آزمایش گرفت

پس از پایان بازی این ۲ تیم ۴ تن از بازیکنان به قید قرعه انتخاب شدند تامورد ارزیابی پزشکان قرار بگیرند . نتیجه آزمایش دوپیکنگ این بازیکنان طی هفته های آتی اعلام می شود .

قطبی تماشاگر بازی راه آهن شد

افشین قطبی عصر پنجشنبه در ورزشگاه اختصاصی راه آهن حاضر شد . سرمرمی تیم ملی از نزدیک بازی راه آهن- پاس از سری مسابقات جام حذفی را تماشا کرد . او با زیر ذره بین قرار دادن عملکرد بازیکنان هر ۲ تیم به ارزیابی میزان آمادگی آنها پرداخت تا احیاناً یکی ، دو نفر از این افراد را در آینده به تیم ملی دعوت کند .



اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران
زیر نظر متخصص ترمیم مو از کانادا

آدرس : خیابان ولی عصر - جنب سینما آفریقا - طبقه سوم
خانه مو تلفن : ۸۸۸۹۳۲۲۲-۸۸۸۹۳۲۸۰-۸۸۰۰۴۲۲۳-۸۸۸۹۳۲۸۰-۸۸۸۰۲۸۰ شعبه ندارد